

صحيفة الحسن عليه السلام

[183] أي مردم ! اگر سالها در این جا بایستم و آنچه خداوند به ما داده است و در کتابش ما را به آن اختصاص داده، و بر زبان پیامبرش جاری ساخته است را بشمارم، تمام نمی شود، و من پسر پیامبر بشارت دهنده و بیم دهنده و چراغ فروزان هستم، کسی که خداوند او را به عنوان رحمت برای جهانیان فرستاد، و پدرم علی علیه السلام سرپرست مؤمنان و شبیه هارون است. و معاویه بن صخر می پندارد که من او را شایستهء خلافت دانسته و خود را سزاوار آن نمی دانم، اما معاویه دروغ می گوید، سوگند به خدا که ما در کتاب خدا و زبان پیامبر خدا نسبت به مردم از خود آنان سزاوارتریم، جز آنکه ما خاندان از آنگاه که پیامبر رحلت فرمود همواره در حال ترس بوده، مظلوم واقع شده، حقان ضایع گردیده است. و خداوند حکم می کند بین ما و آنانکه حقان را ضایع ساخته و بر ما مسلط شدند، و مردم را بر علیه ما شوراندند، و سهممان را از غنائم و فئ که در کتاب خداوند به ما تعلق گرفته بازداشتند، وارث مادرمان فاطمه علیها السلام از پدرش را گرفتند.
